یادداشت

وزارت امور خارجه چه کاره است؟

ادامه از صفحه یک

اما همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب هم در سخنرانی اخیر اشاره فرمودند، نسبت این وزارتخانه و سایر مجریان با سیاست‌ها به اجرا ختم نمی‌شود، بلکه در شکل‌دهی به سیاست‌ها از طریق فرایندهای تعریف‌شده، نقش‌آفرین هستند. در واقع وزارت امور خارجه «سیاست‌گذار» نیست، اما «سیاست‌ساز» هست. به همین نسبت سایر مقامات اجرایی کشور هر کدام به‌تنهایی نقش «تصمیم‌سازی» و «سیاست‌سازی» را ایفا می‌کنند، اما «سیاست» در فرایندی تعریف‌شده و مبتنی‌بر قانون اتخاذ می‌شود.

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد آن است که مسئله اجرای سیاست خارجی کشور، تنها محدود به وزارت امور خارجه هم نیست. چراکه روابط خارجی در ارتباطی تنگاتنگ با سایر حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، دفاعی و... است که در حوزه مأموریتی سایر نهادها و وزارتخانه‌ها تعریف شده اساساً به همین دلیل شورای عالی امنیت ملی (شعام) نقش هماهنگ‌کننده اجرای این سیاست‌ها را دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به «وزارت اطلاعات» به‌عنوان یکی از دستگاه‌هایی که در حوزه مسائل خارجی نقش فعالی دارد و به‌صورت کاملاً مجزا از وزارت امور خارجه عمل می‌کند، اشاره کرد. بر اساس اعلام رسمی این وزارتخانه، معاونت اطلاعات خارجی و نهضت‌های این وزارتخانه با ارتقا به «سازمان اطلاعات خارجی و نهضت‌ها» تبدیل شده و طبیعی است که در حوزه برون‌مرزی به ایفای وظایف خود می‌پردازد. طبیعی است که هماهنگی میان این دو نهاد و نیز سایر نهادهای ذی‌ربط باید در سطحی بالاتر از وزارت امور خارجه تعریف شود. به همین نسبت «نیروی قدس» و «سازمان اطلاعات» در سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی، کلیه نیروهای دفاعی و امنیتی کشور، وزارتخانه‌های اقتصادی و... هرکدام بنا بر تکالیف قانونی خود اقداماتی را در حوزه خارجی انجام می‌دهند که هماهنگی آن نمی‌تواند در نهادی هم‌عرض که خود نیز یکی از مجریان است انجام گیرد و باید در سطح فرادستی (یعنی شورای عالی امنیت ملی) رخ دهد.

در این میان، برخی بعد از شنیدن بیانات رهبر معظم انقلاب، بلافاصله شبهه‌ای را مطرح کردند و با القای اینکه وزارت امور خارجه تنها مجری سیاست‌ها است، تلاش کردند «برجام» و نحوه اجرای آن را به کلیت نظام منتسب سازند. در پاسخ به این شبهه باید چند نکته را در نظر داشت. اولاً در تقسیم‌کار اجرای برجام (مصوب شورای عالی امنیت ملی) نهادهایی چون «وزارت امور خارجه» و «سازمان انرژی اتمی» به‌عنوان مجری و نیز هیئتی هشت‌نفره به نام «هیئت نظارت بر اجرای برجام» متولی نظارت بر حسن اجرای آن بوده است که پنج نفر از اعضای این هیئت از دولت هستند. در واقع می‌توان گفت سیاستگذاری از سوی رهبر معظم انقلاب انجام گرفت که همان شروط نه‌گانه در فرمان معظم‌له و نیز تأیید ضوابط تعیین‌شده از سوی شعام و مجلس بود و اجرا کاملاً در اختیار دولت و سازوکار نظارتی با اکثریت دولتی بود.

ثانیاً رهبر معظم انقلاب‌اسلامی از همان ابتدای مذاکرات دولت یازدهم چندین بار تصریح کردند که من به این مذاکرات خوش‌بین نیستم، اما بر اساس پیشنهاد نهادهای ذی‌ربط، کلیت نظام انجام مذاکرات را پذیرفت. این دقیقاً همان نقش سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی است که پیش‌تر بدان اشاره شد. معظم‌له تنها خطوط قرمز و راهنمای کلی مذاکرات را تعیین کرده و اجرای مذاکرات را به دستگاه دیپلماسی سپردند. برای اینکه بفهمیم دستگاه دیپلماسی تا چه حد توانست خطوط قرمز را دقیقاً رعایت کند می‌توان به بیانات معظم‌له مراجعه نمود که فرمودند: «البتّه همه خطوط قرمزی که ما معیّن کرده بودیم رعایت نشد.»

بنابراین برجام چه در مرحله مذاکره و چه در مرحله اجرا، حاصل اقدامی اجرایی نه لزوماً منطبق بر سیاست‌های تعیین‌شده بود و اتفاقاً ایراداتی که در طول پنج سال گذشته مشاهده می‌شود دقیقاً ناشی از کاستی‌های ذاتی برجام (ناشی از عدم رعایت خطوط قرمز در متن آن) و نیز ضعف اجرا (عدم رعایت شروط نه‌گانه و ضوابط مجلس و شعام) است.

از سویی برخی از شبهه‌افکنان حتی پا را فراتر نهاده و سعی در القای این ادعا را دارند که تفکیک سیاستگذاری و اجرا به‌معنای بی‌اختیار بودن مسئولان اجرایی است. این در حالی است که همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد مسئولان اجرایی در پیشنهاد ابتکارات و نیز «تصمیم‌سازی» حضور دارند مقایسه میان وضعیت مذاکرات در چند دوره مختلف شورای عالی امنیت ملی (دوره قبل ۸۴، دوره دولت نهم و دهم و نیز دوره دولت یازدهم و دوازدهم) نشان می‌دهد پیشنهادهای مسئولان اجرایی به محک اجرا نیز گذاشته شده و اکنون نیز شاهد نتایج دستپخت آقای ظریف و همکارانش هستیم.

یادداشت

از علی غیر از عدل برخورد با حاکم را هم بیاموزید!

ادامه از صفحه یک

در مقام مقایسه، اصلاح‌طلبان نه عین حق هستند و نه حکومت و رؤسای جمهوری که آنها نمی‌پسندند، عین باطل. نیازی به تفصیل نیست که بدانیم شرایط یک رئیس‌جمهور در ایران که از اصلاح‌طلبان نباشد-که در سه دهه گذشته فقط یک‌بار اتفاق افتاده- قابل مقایسه با شرایط خلیفه سوم نیست و شرایط بقیه حاکمان نظام جمهوری اسلامی نیز به همین گونه. همچنین شرایط اصلاح‌طلبان هر اندازه که خوب باشند، قابل مقایسه با ولی و منصوب خدا حضرت علی(ع) نیست. با این حال ببینید مولای متقیان چگونه با کسانی که برای بیعت با او هجوم می‌آورند، سخن می‌گوید: «از من دست بدارید و دیگری جز مرا بطلبید، که روی به کاری داریم که چهره‌ها و رنگ‌های گونه‌گون دارد. نه دل‌ها را در برابر آن طاقت شکیبایی است و نه عقل‌ها را تاب تحمل. سراسر آفاق را ابری سیاه فرو پوشیده و راه‌های روشن ناشناخته مانده. بدانید که اگر دعوتتان را اجابت کنم با شما چنان رفتار خواهم کرد که خود می‌دانم. نه به سخن کسی که در گوشم زمزمه می‌کند گوش فرا خواهم داد و نه به سرزنش ملامتگران خواهم پرداخت. اگر مرا به حال خود رها کنید، من نیز چون یکی از شما خواهم بود. شاید بیشتر از شما، به سخن آنکه کار خود به او وامی‌گذارید، گوش سپارم و بیشتر از شما از او فرمان ببرم. اگر برای شما وزیر باشم بهتر از آن است که امیر باشم.»

حضرت به عنوان امام مسلمین که مقامی است الهی به مردم می‌گوید اگر کس دیگری را برگزیدید، «به سخن آنکه کار خود به او وامی‌گذارید، گوش سپارم و بیشتر از شما از او فرمان ببرم.» حال مقایسه کنید این منش سیاسی امام متقین را با رفتار سیاسی ما در دموکراسی‌های قرن حاضر. ما در دموکراسی‌ها رفتارمان آنگونه است که رهبری معظم انقلاب نیز اشاره‌ای به آن کردند: «بعضی‌ها هستند انتخابات را وقتی قبول دارند که نتیجه انتخابات همان چیزی باشد که آنها می‌خواهند! اگر آن مطلوب آنها از انتخابات درآمد، انتخابات را سالم می‌دانند و قبول می‌کنند و اگر چنانچه مطلوب آنها درنیامد، انتخابات را متّهم می‌کنند و کسانی را که انتخابات را برگزار کردند -در هر بخشی [باشند]- متّهم می‌کنند؛ گاهی هم مثل سال ۸۸ اغتشاش راه می‌اندازند، که البتّه آن متّهم کردن‌ها بی‌انصافی است، آن اغتشاش ایجاد کردن‌ها جرم است. بعضی این جور هستند. این غلط است، یعنی نبایستی این کار را انجام داد. بنابراین این یک مسئله است.»

پیروی از امام علی‌بن‌ابی‌طالب اگر جامع و کامل باشد، می‌توان گفت که علی‌وار زیسته‌ایم، نه آنکه با عدالت علی، ژست بگیریم و از شیوه برخورد علی با انتخاب مردم، چشم بپوشیم.

گزارش

کبری آسوپار

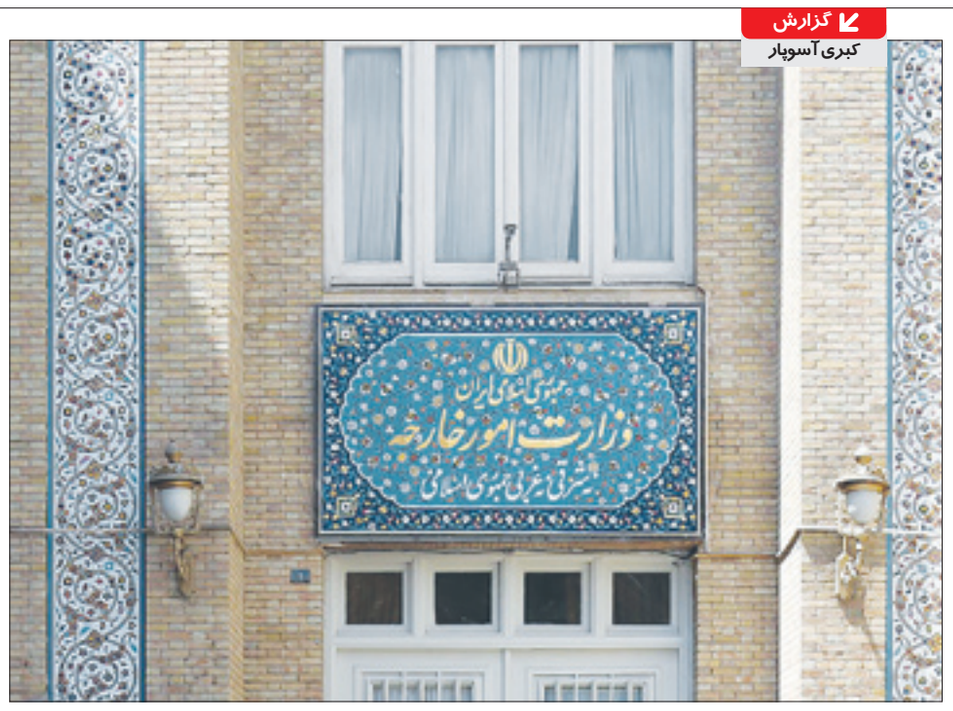

سردار دیپلماسی دارید یا مجری بی‌مسئولیت؟!

«آنچه قرار بود وزارت خارجه انجام دهد و آنچه انجام داد»، این دوگانه در زیرمجموعه برجام، گرچه امروز به کمک فایل صوتی کذایی محمد جواد ظریف از اذهان دور شده، اما قیاس میان آن دو آن قدر از منطق برخوردار است و تفاوت میان آنها چنان مشهود است که یادآوری آنچه در این هشت سال گذشت، و نگاهی به منطق سیاستگذاری و اجرا در همه جای دنیا، فضا را از غبار ناشی از ادعاهای وزیر خارجه و هیاهوی پس از آن حامیان دولت بزداید.

پس از سخنان رهبری و عتاب ایشان در مورد آنچه محمدجواد ظریف درباره نیروی قدس سپاه و شخص قاسم سلیمانی بیان کرده بود و از شبکه سعودی ایران اینترنشنال پخش شد، مدعیان اصلاحات به جای پرداختن به اشتباهات حرفه‌ای ظریف و تن دادن به اصول سیاست خارجه کشور- که از طرق قانونی حاصل شده- تلاش کردند زمین بازی را تغییر دهند و نقطه ثقل مناقشه را به برجام و اینکه مسئولیتش با ظریف است یا نیست، تقلیل بدهند. «چقدر از آنچه وزارت خارجه در موضوع مذاکرات هسته‌ای پیش برد، سیاست نظام بود و چقدر اجرای وزارت خارجه؟»، پاسخ به این سؤال بسیار ساده است. ظریف و روحانی از رهبری «دستور» گرفتند که برای مذاکره بروند یا پس از «اصرار»های بسیار بر نظرات خود، از ایشان «اجازه» مذاکرات را دریافت کردند؟

■ سیاست واحد؛ اجرای متفاوت

این موضوع آنقدر بدیهی است که به قول اهل منطق، تصورش موجب تصدیق آن است، اما اهل فتنه، پی ایجاد شبهه هستند. این بار آن بخش از سخنان رهبری را بهانه کرده‌اند که فرمود: «این را هم همه بدانند که سیاست خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود. سیاست خارجی در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی وزارت خارجه است... » آنها می‌گویند حرف ظریف هم همین بوده که من فقط مجری سیاست‌های نظام بودم. اما جملات رهبری ادامه هم دارد: «مجامع بالادستی و مسئولین عالی‌رتبه کشور هستند که سیاست خارجی را [تعیین می‌کنند]؛ البتّه وزارت خارجه هم در اینها مشارکت دارد، لکن این جور نیست که تصمیم‌گیری، تابع وزارت خارجه باشد؛ نه، وزارت خارجه مجری است... در شورای عالی امنیت ملی که همه مسئولین در آنجا حضور دارند، تصمیم‌گیری می‌شود و وزارت خارجه با شیوه‌های خودش بایستی آنها را عملی بکند و پیش ببرد.»

آنچه بدیهی است، تفاوت در شیوه‌های اجرای یک سیاست کلی است که از وزیران خارجه مختلف ذیل نظام واحد، عملکردهای متفاوت می‌سازد. و گرنه میان وزیر خارجه این دولت و وزیر خارجه آن دولت چه تفاوتی بود اگر همگی فقط و فقط مجریانی دست و پابسته بودند؟

■ نه هیچ کاره، نه همه کاره

وزارت خارجه «بخشی» از فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد سیاست خارجی کشور است. این آن چیزی است که از کلام آیت‌الله خامنه‌ای در مورد وزارت خارجه دانسته می‌شود. در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارد، اما سیاستگذار اصلی نیست. تفاوتش هم با آنچه ظریف و حامیانش می‌گویند، روشن است، گرچه عبارات و ظاهر جمله شاید یکسان باشد. ظریف با گلایه و اعتراض سخن گفت؛ اینکه باید به من اختیارات کافی داده می‌شد، اما ندادند. او این سخنان را در چه مقامی می‌گوید، در مقام توجیه ناکامی‌های وزارتخانه‌اش، در شرح آنکه نگذاشتند کار کنم؛ در اعتراض به آنکه اختیارات من کافی نبود. اما رهبری در چه مقامی می‌گویند؟ در این مقام که اختیارات وزارت خارجه کافی بوده و همه جای دنیا هم وزرای خارجه با همین سطح از اختیارات، دیپلماسی را پیش می‌برند. در واقع، ظریف بهانه‌جویی می‌کند و رهبری می‌خواهند بهانه «کمی اختیارات» را از او بگیرند. رهبری این مجری بودن را «عادی» و روال همه کشورهای جهان می‌دانند و ظریف آن را عامل عدم موفقیت و «غیرعادی» و مشکل‌ساز. حال تفاوت‌ها در عین اشتراک ظاهری عبارات روشن شد؟

■ آیا وزیر خارجه شما بی‌مسئولیت بود؟

ماه‌ها تلاش حسن روحانی برای در دست گرفتن دولت و ارائه شعارها و وعده‌های انتخاباتی بر محور سیاست خارجی -مذاکره با غرب و حل مشکلات هسته‌ای و تحریمی- و موفق شدن در این امر، حالا به اینجا رسیده ما در سیاست خارجه کاره‌ای نبودیم. این کار خیانت به افکار عمومی است؛ اول از همه خیانت به کسانی که بر مبنای همین شعارها به روحانی اعتماد کردند و به او رأی دادند. برجام ایده چه کسی بود؟ نظام و رهبری یا روحانی و ظریف؟ شعار انتخاباتی چه کسی بستن با کدخدا و حل مشکلات تحریمی و هسته‌ای از طریق مذاکره با غرب بود؟ نظام و رهبری یا روحانی و ظریف؟

اگر وزیر خارجه کاره‌ای نبود، چرا ۱۴ شهریور ۹۲ یعنی تنها یک ماه بعد از روی کار آمدن حسن روحانی، رئیس جمهور مسئولیت مذاکرات هسته‌ای را از دبیر شورای عالی امنیت ملی گرفت و به وزارت خارجه واگذار کرد؟ اگر مسئول مذاکرات صرفاً مجری است، پس چه تفاوتی میان جلیلی و ظریف در مذاکرات است و آن همه انتقاد اصلاح‌طلبان و روحانی و ظریف به جلیلی برای چه بود؟!»

از سویی، آیا در جلسات سران نظام و شورای عالی امنیت ملی برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های کلان هسته‌ای و مذاکرات، دولتی‌ها در سکوت بودند و هیچ طرح و ایده‌ای نداشتند؟ هیچ گزارشی ارائه نکرده‌اند و هیچ نظرشان بررسی نشده و اصرار روی هیچ برنامه‌ای نداشته‌اند؟!

مسئولیت برجام با چه کسی بود؟ افتخاراتش را در عملکرد چه کسی فهرست کردید؟ حال هم از همان رئیس‌جمهوری که عکس یک روزنامه‌های اصلاح‌طلب کردید و می‌گفت «همه مسئولیت مذاکرات با من است» بخواهید مسئولیت را بپذیرد.

■ رهبری و برجام

پاییز ۹۲ است و تازه چند ماهی است روحانی رئیس‌جمهور شده است. مردم با شعار مذاکره به او رأی داده‌اند؛ رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان می‌گویند: «البتّه بنده همچنان که گفتم خوش‌بین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم از این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملّت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه تجربی ملّت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد.»

این نظر رهبری است. در مورد برجام هم ایشان شرط و شروطی گذاشتند که مکتوب و مستند و علنی است. ۹ شرط برای برجام گذاشتند و اجرایی نشد. این اعتراف خود ظریف است که نتوانستند همه خطوط قرمز را عملی کنند. رهبری از قول ظریف گفتند: «وزیر محترم امور خارجه به من گفت: ما نتوانستیم برخی خطوط قرمز را حفظ کنیم.» سه ماه پیش از امضای برجام هم گفته بودند: «بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، بازهم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چارچوب‌های مهم و خطّ قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس جمهور محترم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلّی. جزئیات کار در اختیار آنها است، می‌توانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیّات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست ...»

این هم فصل الخطاب نظرات رهبری در مورد نقش‌شان در برجام باشد که خرداد ۹۸ در آخرین دیدار دانشجویی قبل کرونا فرمودند: «یکی از دوستان گفتند تصویب برجام را به رهبری نسبت داده‌اند؛ خب بله، امّا شما که چشم دارید، ماشاءالله هوش دارید، همه چیز را می‌فهمید! آن نامه‌ای را که من نوشتم نگاه کنید، ببینید تصویب چه جوری است؛ شرایطی ذکر شده که در این صورت این [توافق] تصویب می‌شود. البتّه اگر چنانچه این شرایط و این خصوصیّات اجرا نشد، اِعمال نشد، وظیفه رهبری این نیست که بیاید وسط و بگوید برجام نباید اجرا بشود. [البتّه] خود این، یک مقوله‌ای است که وظیفه رهبری در این جور مواقع اجرایی چیست. عقیده ما این است که در زمینه‌های اجرایی، رهبری نباید وارد میدان بشود و یک کاری را اجرا کند یا جلوی اجرای یک کاری را بگیرد، مگر آنجایی که به حرکت کلّی انقلاب ارتباط پیدا می‌کند؛ آنجا چرا، وارد می‌شویم، امّا در موارد دیگر نه. بنابراین نه، برجام را به آن صورتی که عمل شد و محقّق شد، بنده خیلی اعتقادی نداشتم و بارها هم به خود مسئولینِ این کار -به آقای رئیس‌جمهور، به وزیر محترم خارجه، به دیگران- همین را گفته‌ایم و موارد زیادی را به آنها تذکّر داده‌ایم.»

■ نشانه شکست برجام

به این تصاویر منتخب از دولت حسن روحانی و محمدجواد ظریف به ترتیب توجه کنید:

تصویر اول؛ تخطئه و تخریب تام و تمام مذاکرات هسته‌ای و سعید جلیلی به عنوان مسئول مذاکرات.

تصویر دوم؛ دادن وعده برای حل مشکلات کشور از طریق رابطه با غرب.

تصویر سوم؛ دادن وعده حل تمامی مشکلات هسته‌ای و تحریمی از طریق مذاکرات هسته‌ای.

تصویر چهارم؛ اصرار به نظام برای گرفتن اجازه مذاکره و نیز تغییر مسئول مذاکره از دبیر شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه ظریف.

تصویر پنجم؛ امضای برجام و دفاع تمام قد و لیست کردن آن جزو افتخارات دولت و شخص ظریف؛ اهدای دهها سکه به اعضای تیم مذاکره‌کننده و بخشیدن لقب سردار دیپلماسی به ظریف.

تصویر ششم؛ تخریب هر منتقد برجام و اتهام به منتقدان پیرامون مانع تراشی برای ثمردهی برجام.

تصویر هفتم؛ عیان شدن تدریجی نشانه‌های ضعف و بی ثمری برجام و در نهایت خروج امریکا از برجام با سوء استفاده از ضعف برجام در بحث ضمانت اجرایی.

تصویر هشتم؛ انداختن مسئولیت کامل برجام روی دوش نظام و رهبری و نمایش یک مجری بی‌اختیار و بی‌مسئولیت از ظریف که حتی با وجود عدم اعتقاد به کاری که انجام می‌دهد، ناتوان از استعفاست.

این روال، هر نامی که داشته باشد، صادقانه نیست. پیروزی‌ها همیشه هزار و یک مدعی دارد و شکست‌ها یتیم است.

بازی امروزی را هم که ظریف و حامیانش علم کرده‌اند، سرانجام فرو می‌نشیند، گرچه تا همین جا هم با دست خودشان، ظریف را از فراز «سردار دیپلماسی» به فرود «وزیر بی‌مسئولیت» رساندند؛ اما علی ای حال، برای تاریخ خواهد ماند که برجامی را که در آغاز فتح‌الفتوح می‌نامیدند، در پایان، چنان مردار متعفنی روی دوش دیگری می‌انداختند و از خود دورش می‌کردند. همین برای اثبات شکست برجام کفایت می‌کند.

پس از سخنان رهبری و عتاب ایشان در مورد آنچه محمدجواد ظریف درباره نیروی قدس سپاه و شخص قاسم سلیمانی بیان کرده بود و از شبکه سعودی ایران اینترنشنال پخش شد، مدعیان اصلاحات به جای پرداختن به اشتباهات حرفه‌ای ظریف و تن دادن به اصول سیاست خارجه کشور- که از طرق قانونی حاصل شده- تلاش کردند زمین بازی را تغییر دهند و نقطه ثقل مناقشه را به برجام و اینکه مسئولیتش با ظریف است یا نیست، تقلیل بدهند

انتخابات

۴۴

شمارش معکوس تا ۲۸ خرداد

با نزدیک‌تر شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شیب تحرکات احزاب و گروه‌های سیاسی برای ورود به این آوردگاه انتخاباتی در حال تند شدن است و انتظار می‌رود این تحرکات زمینه حضور مشارکت حداکثری مردم برای انتخاب رئیس‌جمهور سیزدهم در گام دوم انقلاب را تسهیل نماید. از این رو در این ستون خواهیم کوشید، مواضع اصولی و غیر تخریبی احزاب و گروه‌های سیاسی را برای شناخت بیشتر مخاطبان و تنویر افکار عمومی بازنشر کنیم.

■ مردم نباید فریب وعده‌های پوچ انتخاباتی را بخورند

مردم ما دیگر نباید فریب شعارهای توخالی و وعده‌های پوچ را بخورند، باید از نامزد ریاست جمهوری برنامه بخواهند.

زهره‌السادات لاجوردی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس، با تأکید بر حضور پرشور در انتخابات گفت: کمتر از ۵۰ روز به موعد انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است. همه ما می‌دانیم که انتخابات یک فرصت بسیار بزرگ برای مردم و کشور است و باید از این فرصت نهایت استفاده را ببریم؛ چراکه صرف حضور مردم و مشارکت در انتخابات به دشمنان این کشور این پیام را منتقل می‌کند که ملت ایران می‌خواهند با حضورشان در صحنه انتخابات دست رد به سینه بیگانگان بزنند و همین امر موجب امنیت کشور، اقتدار ملی و نشانه عزم مردم برای مستقل بودن و امیدوار بودن به آینده است.

وی افزود: مردم ما دیگر نباید فریب شعارهای توخالی و وعده‌های پوچ را بخورند، باید از نامزد ریاست جمهوری برنامه بخواهند و بدانند گروهی که قرار است با رئیس‌جمهور همکاری کند چه کسانی هستند، سابقه اجرایی آنها را در مسئولیت‌های قبلی بدانند و توان اجرایی آنها را بسنجند.

■ رئیسی گزینه قطعی شورای وحدت اصولگرایان

سخنگوی شورای وحدت، گزینه قطعی شورای وحدت اصولگرایان را حجت‌الاسلام رئیسی عنوان و تأکید کرد که قطعاً علی لاریجانی نامزد این ائتلاف نیست.

به گزارش کمیته رسانه و ارتباطات شورای وحدت، منوچهر متکی با بیان اینکه گزینه قطعی شورای وحدت سیدابراهیم رئیسی است، اظهار داشت: ما در شورای وحدت به این جمع بندی رسیده ایم که رئیسی کاندیدای اصلح ریاست جمهوری است و امیدواریم به زودی از زبان خود او اعلام کاندیداتوری برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را بشنویم و شاهد ثبت نامش باشیم. وی با اشاره به خط تخریبی و تبلیغاتی برخی از افراد و گروه‌های خاص که یک دروغ را در رسانه‌ها و کانال‌های خبری تکرار می‌کنند، گفت: با آغاز فعالیت‌های سیاسی تشکیلاتی شورای وحدت، در کلیپ‌ها و بیانیه‌های خود القا کردند که کاندیدای این شورا لاریجانی است. برای آخرین بار ضمن تکذیب این دروغ بزرگ و با حفظ احترام لاریجانی اعلام می‌کنم وی تحت هیچ شرایطی نامزد شورای وحدت برای انتخابات ریاست جمهوری نیست.

■ لاریجانی گفت من نیستم، اما سیاست چیز دیگری است

محمدرضا باهنر رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری در گفت‌وگو با جماران گفت: شورای وحدت تا جایی که ما اطلاع داریم، سراغ کسانی رفته که اینها خودشان اعلام کردند «ما نامزد هستیم» یا یکی از نزدیکانشان گفته ایشان نامزد هست و آن فرد هم موضوع را تکذیب نکرده، ولی آقای لاریجانی هر کسی از ایشان سؤال می‌کند، می‌گوید «نه، من نیستم». باز می‌گویم در عالم سیاست معنایش این نیست که ایشان متعهد است، قسم خورده است یا به کسی امضا داده است که نیاید، اما در فضای سیاسی ایشان الان خودش که اعلام کند «جزو کاندیداها نیستم». من در جلسه‌ای که اواخر شعبان با آقای لاریجانی داشتم از ایشان سؤال کردم و گفتم «شما برای ریاست جمهوری می‌آیی؟» گفت «من نمی‌آیم»؛ البته من یک شوخی طنز سیاسی با او کردم و گفتم «آره، مگر اینکه چی بشه». این چی بشه یک واژه عرفی است. بقیه را هم من سؤال می‌کنم و می‌گویند ما نیستیم، این را می‌گویم که «مگر چه اتفاقی بیفتد».

■ تاجزاده نمی‌تواند کاندیدای اصلاح طلبان باشد

محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی در مصاحبه با روزنامه اعتماد با اشاره به لیست ۱۴ نفره اولیه اصلاح طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری گفته چهار نفر از این افراد (آقایان ظریف، جهانگیری، پزشکیان و نفر چهارم هم یا محسن هاشمی یا شریعتمداری) در لیست باقی می‌مانند و بقیه خارج می‌شوند. او ادامه داد: حضور آقای تاجزاده از موضع و منظر دیگری محل تأمل است. از آنجا که موضع پیشین ایشان نسبت به قانون اساسی موضعی توأم با ایراد بوده و انتخابات هم باید در چارچوب قانون اساسی برگزار شود، حضور ایشان، بیشتر حضوری است خارج از نظم و نسقی که اصلاح‌طلبان تعقیب می‌کنند. نظام انتخاباتی اصلاح‌طلبان متکی بر برنامه است و این برنامه‌ها باید در چارچوب قوانین موضوعه صورت بگیرد؛ ضمن اینکه برنامه‌های آقای تاجزاده آن‌طور که در اولین بیانیه‌شان مطرح شده، خارج از قوانین موضوعه است بنابراین به نظر می‌رسد که نمی‌توانیم خیلی به آن امید ببندیم.

■ ائتلاف با نامزد غیر اصلاح‌طلب منتفی است

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب تأکید کرد: بر اساس تصمیم مشترک و اجماعی که در جبهه اصلاحات ایران گرفته شده است، ائتلاف با هر نامزد غیراصلاح‌طلب منتفی است. حسن رسولی در گفت‌وگو با ایلنا، درباره اینکه پس از سخنان رهبری برخی عنوان کردند حضور محمدجواد ظریف که به نظر می‌رسد نامزد اصلی جریان اصلاحات است منتفی شود و این جریان شاید با علی لاریجانی به ائتلافی برسد تا وقایع سال ۸۴ تکرار نشود، گفت: با قاطعیت می‌گویم بر اساس تصمیم مشترک و اجماعی که در جبهه اصلاحات ایران گرفته شده است، ائتلاف با هر نامزد غیراصلاح‌طلب منتفی است.

مقاله

میدان و دیپلماسی هر دو مجری

ادامه از صفحه یک

چه کسی از سال ۲۰۰۳ در کنار مردم عراق تا کنون مانع تسلط امریکایی‌ها در عراق بود؟ چرا امریکایی‌ها بعد از صدام نتوانستند با دموکراسی مدعایی خود در عراق دولت‌سازی کنند؟ کدام دیپلماسی یا گفتمان، دوستان انقلاب اسلامی در عراق را با رأی مردم این کشور بر کرسی ساقط شده صدام نشاند؟ اما فرق میدان با دیپلماسی این است که دیپلمات بعضاً برمی‌گردد و می‌گوید «نمی‌شود» اما در میدان این به ندرت اتفاق می‌افتد و «نشد» را «شد» می‌کنند. پیش‌بینی زمان سقوط دولت سوریه و دمشق توسط حاج قاسم به نظام ارائه شد اما سیاست و فرمان این بود که نباید چنین شود و با موفقیت به اجرا درمی‌آید. یا مثلاً وقتی امام می‌گوید: «حصر آبادان باید شکسته شود»، باید شکسته شود. اینکه نمی‌شود، به ندرت شنیده می‌شود. بدون تردید ترکیب دیپلماسی و میدان در عراق باعث شد امریکایی‌ها آنقدر برای کنار ما قرار گرفتن (در مبارزه با داعش) التماس کنند. اگر قدرت میدان نبود چنین مطالبه‌ای نداشتند. دیپلماسی و قدرت قابل تفکیک نیستند. قدرت‌های بزرگ با کشورهای ضعیف برای رسیدن به مطامع و منافع خود مذاکره نمی‌کنند، انگشت اشاره‌شان باید دنبال شود. مگر در بحرین، امارات و عربستان در رابطه با صهیونیست‌ها اینگونه نبود؟ اینکه دشمن روش دیپلماتیک را با ما انتخاب می‌کند و شش کشور دو سال با ما می‌نشینند به خاطر قدرت ایمانی و نظامی ماست و گرنه سخن گفتن به تنهایی سرمیز مذاکره به جایی نخواهد رسید و از خوردن یک فنجان چایی و عکس یادگاری عبور نخواهد کرد.

بهارستان

قالیباف رد صلاحیت شدگان شوراها را امیدوار کرد

در پی برخی اعتراض‌ها نسبت به رد صلاحیت نامزدهای شورای شهر و درخواست از رئیس مجلس برای پیگیری این مسئله مشاور و رئیس حوزه ریاست مجلس شورای اسلامی، از جلسه رئیس مجلس با وزیر کشور و تعدادی از اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شورای شهر به منظور بررسی وضعیت و روند احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خبر داد.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت، دکتر بابک نگاهداری با اشاره به این موضوع که در جلسه روز یک‌شنبه، با حضور ریاست مجلس، وزیر کشور، رئیس ستاد انتخابات کشور، معاون پارلمانی وزارت کشور و تعدادی از اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، گزارشی در مورد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و وضعیت نامزدهای این انتخابات به ریاست مجلس ارائه شد، عنوان داشت: «در انتخابات پیش رو بر اساس منویات مقام معظم رهبری، ایجاد زمینه حضور حداکثری آحاد مردم در انتخابات امری مهم و از جمله دغدغه‌های جدی ریاست مجلس است، زیرا که برگزاری یک انتخابات پرشور به افزایش همبستگی اجتماعی و تقویت پشتوانه مردمی نظام جمهوری اسلامی کمک شایانی خواهد نمود و بسیاری از طرح‌ها و نقشه‌های خارجی برای ایجاد فاصله مابین حاکمیت و مردم را نقش بر آب خواهد کرد. بر این اساس و با توجه برخی اعتراض‌ها نسبت به رد صلاحیت شدگان این دوره از انتخابات شوراها به وجود آمده بود، این موضوع روز گذشته مورد بررسی قرار گرفت.»

مشاور رئیس مجلس با بیان اینکه شوراهای شهر به عنوان پارلمان‌های شهری نقش مهمی در مدیریت شهر دارند، افزود: «دکتر قالیباف در این جلسه تأکید داشتند که حضور افراد متخصص، متعهد و دارای تجربه در زمینه‌های مرتبط با مدیریت شهری در شوراها می‌تواند موجب ارتقا و بهبود شرایط محیطی، عمرانی، فرهنگی و اجتماعی شهرها گردد لذا نباید انتخابات شورای شهر و روستا، کم اهمیت در نظر گرفته شود و احراز صلاحیت نامزدهای این انتخابات باید با دقت صورت گیرد و حقی از هیچ فردی زایل نشود. هم باید خطوط قرمز قانونی و نظر مراجع مورد استعلام مورد نظر باشد و هم در عین حال از رویکرد جناحی جدا دوری گردد. درباره هر دو جناح سیاسی نباید دایره صلاحیت‌ها آنقدر تنگ گردد که بسیاری از افراد متخصص و متعهد نیز امکان حضور در این انتخابات را نداشته باشند. با توجه به آنچه برخی جناح‌های سیاسی می‌گویند لازم است که کاملاً منصفانه و قانونی و بدون لحاظ گرایش سیاسی، هیئت نظارت عمل کند.»

نگاهداری در پایان تأکید کرد: جلسه روز یک‌شنبه با همین رویکرد و با نظر ریاست مجلس و اعضای هیئت نظارت، پس از مباحثات صورت گرفته تصمیم بر آن شد که در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات شورای شهر، صلاحیت افرادی که استعلام آنها از کلیه مراجع نظارتی مثبت است، با امعان نظر از سوی هیئت نظارت مورد تأیید قرار گیرد. دکتر نگاهداری در پایان عنوان داشت: «به نظر می‌رسد با این تصمیم مشکل تعداد زیادی از داوطلبان رد صلاحیت شده بر طرف گردد و صلاحیت آنها تأیید شود تا شاهد حضور و مشارکت پرشور مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا باشیم.